

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منبع: فاکت‌های قره‌باغ
نویسنده: ولادیمیر کازیمیرف
برگردان از: ع. سهند
۲۱ اکتوبر ۲۰۲۰

قره‌باغ و قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد

قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد از جمله اسناد تعیین‌کننده در زندگی مدرن بین‌المللی هستند. البته، همه کشورهای عضو ملل متحد توجه خود را بر تحقق کامل و به‌هنگام (و نه معوق و گزینشی) آن اسناد متمرکز می‌نمایند. چهار قطعنامه پیرامون درگیری قره‌باغ (قطعنامه‌های ۸۲۲، ۸۵۳، ۸۷۴ و ۸۸۴) وجود دارد. همه آن‌ها در گرماگرم جنگ قره‌باغ، از ۳۰ اپریل تا ۱۲ نومبر ۱۹۹۳ تصویب شدند.

در سال‌های اخیر باکو بارها، اما در ارتباط با بخش خروج فوری، کامل و بی قیدوشرط نیروهای اشغالگر از ۷ منطقه آذربایجان تحت اشغال نیروهای ارمنستان-قره‌باغ و بازگشت آوارگان به آن مناطق، خواهان تحقق قطعنامه‌ها شده است. اکنون خود قره‌باغ نیز هر چه مصرانه‌تر در آن خواست‌ها گنجانده می‌شود؛ حیدر علی‌اف در این مورد میان‌روتر بود (برای اشاره به قره‌باغ به عنوان سرزمین‌های اشغالی، به منطق رسمی زیادی که در شرایط درگیری به سختی قابل اجراء است، نیاز است).

به دیگر سخن، آذربایجان در اصل پیش‌شرط‌های راه‌های حل را به آزادی سرزمین‌های اشغالی تقلیل می‌دهد. این کشور می‌خواهد توجه را به این پیامد خطیر یک درگیری مسلحانه، به رنج مهاجران اجباری جلب نماید. در عین حال، آذربایجان می‌خواهد مسایل اصلی مورد مناقشه و علت درگیری را که تعیین وضعیت قره‌باغ است، نادیده بگیرد و حل آن‌ها را به تعویق بیندازد.

۱- برخورد کافی با قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب خواسته‌های آن‌ها، بدون در نظر گرفتن این فاکت که جنگ در تابستان و در پائیز ۱۹۹۳ به اوج خود رسید، غیرممکن است. به این دلیل آتش‌بس در همه فعالیت‌های نظامی و خصمانه، اولویت و مهم‌ترین خواست بود. این خواست در همه ۴ قطعنامه به مثابه محور مشترک آن‌ها وجود دارد.

شورای امنیت این خواست را از آغاز در نخستین قطعنامه شماره ۸۲۲ که در ۳۰ اپریل ۱۹۹۳ تصویب شد، مطرح کرد، اما یک سال تمام و سه قطعنامه دیگر برای تحقق آن کافی نبودند.

وقت آن رسیده است که ما مشخص کنیم کدام طرف این خواست اساسی همه قطعنامه‌ها را نقض می‌کند و برای این فاکت که قصور آن برای حل این مشکل اساسی شالوده شکست تقریباً همه دیگر خواست‌ها و عدم اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت است، مسؤلیت ویژه دارد.

البته، در اینجا هیچ‌کس بی‌گناه نیست، اما بدون تردید «سهم عمده» به طرف آذری تعلق دارد. رهبران آذربایجان هم در سال‌های ابوالفضل ایلچی‌بیگ و هم در سال‌های حیدر علی‌اف در تلاش‌های خود برای دست یافتن به یک تغییر ناگهانی در جبهه و حل درگیری با زور مُصّر بودند، گویی آن‌ها از مسؤلیت خود برای اشغال و گسترش آن اطلاع نداشتند. در سال‌ها میانجیگری روسیه، یکسری نقض آتش‌بس از جانب دو طرف، فرار از آن توافق‌ها و دیگر موارد کم اهمیت دادن به ابتکارات برای صلح انباشت شد (قطعنامه شماره ۸۸۴ نیز به زبان ایزویپائی [زبان کنایه] از این نکته می‌گوید). با وجود همه چهار قطعنامه شورای امنیت، باکو سه بار مستقیماً (دسامبر ۱۹۹۳ و فیروزی ۱۹۹۴) امکان پایان دادن به عملیات نظامی را نادیده گرفت.

آتش‌بس با کمک روسیه در ۱۲ مه ۱۹۹۴، نه بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت، بلکه بر پایه بیانیه ۱۵ اپریل سران «شورای کشورهای مستقل همسود» (CIS)، که به هر حال هدف مشترکی داشتند، برقرار شد. این توافق در مقایسه با توافقی‌های پیشین متفاوت بود، یک توافق موقت یا فقط برای چند روز نبود، بلکه (طبق تعریف) ابدی، یعنی دایم بود، و در نتیجه پافشاری مسکو، برخلاف گذشته نه فقط به وسیله دو طرف، بلکه همه سه طرف درگیری (نه فقط باکو و استپاناکرت، بلکه ایروان نیز) امضاء شد.

۲- ...

۳- خواست آزادی اراضی تحت اشغال یا خروج فوری همه نیروهای اشغالگر نیز در همه قطعنامه‌ها تکرار می‌شود. باکو ادعا می‌کند که همه قطعنامه‌ها خواهان خروج بی قیدوشرط هستند، اما این فقط در قطعنامه شماره ۸۵۳ در ۲۹ جولای وجود دارد. چگونه واژه «بی قیدوشرط» از قطعنامه‌های شماره ۸۷۴ و شماره ۸۸۴ ناپدید شد؟ آیا این تصادفاً، به دلیل فراموشکاری ناپدید شد؟ چه می‌شود اگر در پی عدم پایبندی منظم یکی از طرفین به خواست اصلی، یعنی توقف عملیات نظامی، ناپدید شده باشد؟ چه کسی می‌توانست انتظار داشته باشد که نیروها بدون آتش‌بس خارج شوند؟ و چه کسی خواهان توقف عملیات نظامی نبود؟ شورای امنیت ملل متحد نمی‌توانست بابت عدم تحقق قطعنامه‌های خود پاداش بدهد. در این بستر، خواست بی قیدوشرط به یک موضوع در مذاکرات بین دو طرف مبدل شد. این به کرات موضوع مذاکرات بوده است اما به علت موضع ارمنستان و به علت این فاکت که باکو بلافاصله بر خروج از همه اراضی- حتا خروج از شوشی و لاجین، پافشاری می‌کرد، حتا بدون این‌که کمترین تمایلی به پرداختن به موقعیت ناگورنو-قره‌باغ نشان دهد، حل نشد.

۴- قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد تعدادی خواست و درخواست دیگر را که تحقق نیافته اند، دربر دارند: الف- «بازگرداندن ارتباطات اقتصادی، حمل‌ونقل و انرژی در منطقه» (قطعنامه شماره ۸۵۳)؛ «از میان برداشتن تمام موانع ارتباطی و حمل‌ونقل» (قطعنامه شماره ۸۷۴). از همان آغاز درگیری، آذربایجان از محاصره اقتصادی کامل علیه ناگورنو-قره‌باغ و ارمنستان استفاده کرد، و در عین حال ارمنستان را به محاصره اقتصادی نخجوان متهم نمود. آذربایجان آزادی اراضی را به مثابه پیش‌شرط اصلی تحقق این خواست‌ها قرار می‌دهد.

علاوه بر این، باکو در همه حوزه‌ها تماس‌های خود را با ارمنستان، و بیشتر از آن با ناگورنو-قره‌باغ، قطع کرد. ب- در روند مذاکره تعدادی درخواست مطرح شد. از ۱۹ مه ۱۹۹۲، آذربایجان از شرکت در کنفرانس مینسک امتناع کرده است و شرکت خود را مشروط به خروج ارمنستان از شوشی و لاجین کرده است، آذربایجان در ۶ اپریل ۱۹۹۳

از رایزنی‌های «پنج مینسک» در ژنیو خارج شد، قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد می‌گویند: «مذاکرات باید در چهارچوب روند صلح گروه مینسک فوراً از سر گرفته شوند» (قطعنامه شماره ۸۲۲)، و پیوسته اجتناب از هر اقدامی که حل مسالمت‌آمیز درگیری را دشوار نماید، و «ادامه مذاکرات در چهارچوب گروه مینسک، و همچنین از طریق تماس‌های مستقیم» (قطعنامه شماره ۸۵۳) و تشکیل فوری کنفرانس مینسک (قطعنامه شماره ۸۷۴) را ترغیب می‌نمایند. مذاکرات در چهارچوب گروه مینسک در سال ۱۹۹۴ ادامه یافت، در ارتباط با تماس‌های مستقیم با ناگورنو-قره‌باغ، باکو در پایان سال ۱۹۹۳ خلاف قطعنامه‌های شماره ۸۵۳، ۸۷۴ و ۸۸۴، آن‌ها را کاملاً قطع کرد.

این قطعنامه‌ها «نیروهای محلی ارمنی» (قطعنامه شماره ۸۲۲)، «ارامنه منطقه ناگورنو-قره‌باغ آذربایجان» (قطعنامه‌های ۸۵۳، ۸۸۴) را یک طرف مخالف خوانده است. منظور قطعنامه‌ها از ذکر تماس‌های مستقیم تماس بین باکو و استپاناکرت است (همچنین به این دلیل که در آن‌ها چندین بار به توافق‌ها پیرامون آتش‌بس که با کمک روسیه به دست آمد، اشاره می‌شود و همه این توافق‌ها در سال ۱۹۹۳ با استپاناکرت بود، و ایروان یک طرف آن‌ها نبود). قطعنامه‌ها [نه به ارمنستان، بلکه] «نیروهای ارمنی محلی» (قطعنامه شماره ۸۲۲)، «ارمنی‌های منطقه ناگورنو-قره‌باغ آذربایجان» (قطعنامه‌های ۸۵۳، ۸۸۴) اشاره می‌کنند.

شخص می‌تواند همه این‌ها را به صورت زیر خلاصه کند:

● آذربایجان مصرانه از اجرای خواست اصلی قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد، برای متوقف نمودن آتش، عملیات نظامی و خصمانه که تأثیری منفی بر اجرای دیگر خواست‌ها داشته اند، امتناع می‌نماید. آذربایجان در حال حاضر قطعنامه‌ها را در ارتباط با موضوعات زیر اجراء نمی‌کند:

۱- برقراری ارتباطات اقتصادی، حمل‌ونقل و انرژی در منطقه،

۲- استفاده از تماس‌های مستقیم با ناگورنو-قره‌باغ،

۳- انعقاد کنفرانس مینسک.

● ارمنستان و ناگورنو-قره‌باغ از پاسخگویی به تقاضای عقب‌نشینی نیروهای اشغالگر از مناطق آذربایجان که فراتر از مرزهای ناگورنو-قره‌باغ قرار دارند، امتناع می‌ورزند و بر یک بسته حل‌وفصل جامع پافشاری می‌نمایند.

● ارمنستان به طور کامل به درخواست اعمال نفوذ مهارکننده بر ناگورنو-قره‌باغ عمل نکرد و در حال حاضر به اشتباه روند مذاکره را جایگزین آن می‌نماید و به شیوه‌ای اگرچه متفاوت، دوباره پیکربندی واقعی درگیری را مخدوش می‌کند. نتیجتاً، آتش‌بسی که بیش از ۱۰ سال ادامه یافته، اکنون دست‌آورد اصلی است.

قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد پیرامون قره‌باغ را نمی‌توان تحقق یافته و موضع طرفین درگیری نسبت به آن‌ها را نمی‌توان کافی ارزیابی نمود. این‌که شورای امنیت ملل متحد هیچ قطعنامه دیگری را پیرامون این درگیری تصویب ننمود موضوع مهمی است که نشان می‌دهد که عدم پایداری طرفین به تحقق قطعنامه‌ها، اقتدار آن‌را تضعیف نموده است. البته، قطعنامه‌هایی را که ۱۱ سال پیش تصویب شدند مشکل بتوان بدون خطا و برای همیشه معتبر دانست. آن‌ها به وسیله واقعیات آن زمان دیکته شدند. اکنون که برای این یا آن هدف تلاش می‌شود ملل متحد در حل‌وفصل درگیری قره‌باغ درگیر شود، جمع‌بندی از فعالیت ده سال گذشته دوباره مهم می‌شود. ما نباید چشم‌های خود را بر گذشته ببندیم، ما باید از گذشته درس بگیریم.

ما باید از رهبران همه طرفین، به همه اشکال و از هر تریبون خواستار یک اراده آهنین برای حل‌وفصل، تلاش‌های جدی و مذاکرات پر انرژی (به جای ژست‌های دورغین مانور دادن، جنگ اطلاعاتی و نمایش‌های تبلیغاتی) بشویم. تاکنون، به اثبات رسیده است که تلاش‌های آن‌ها آشکارا ناکافی است. آن‌ها باید پایه‌های یک راه‌حل

مسالمت‌آمیز را، که تصویب یک قطعنامه جدید شورای امنیت ملل متحد را در آینده برای حمایت از یک آشتی تاریخی بین آذری‌ها و ارمنه ممکن خواهد نمود، هماهنگ نمایند.

جامعه بین‌المللی باید این پرسش را در برابر طرفین قرار دهد که آیا آن‌ها قادرند موقعیت ناگورنو-قره‌باغ را به مثابه یک مسأله مورد مناقشه به رسمیت بشناسند. این نکته که برای کل جهان روشن است، برای طرفین روشن نیست. مهم نیست چقدر سخت به نظر می‌رسد، اما مقامات همه طرفین هنوز باید از این آزمون پیرامون عملی بودن و توانائی گذار به جست‌وجوی یک راه‌حل سازنده موفق بیرون آیند. اگر نه، پس چه موجب درگیری شد، چرا ما آن همه سال درگیر مذاکره بودیم؟ اگر آری، پس این باید گام نخست فاصله گرفتن از خواست‌های اولتیماتومی فعلی باشد که هر راه‌حل برای مشکل را اگر به سود آن نباشد رد می‌کند، گام نخست به سوی یک راه‌حل متمدنانه برای اختلاف، و اجتناب از پی‌آمدهای خطیر درگیری مسلحانه.

۱ دسمبر ۲۰۰۴

[/https://karabakhfacts.com/karabakh-and-un-security-council-resolutions](https://karabakhfacts.com/karabakh-and-un-security-council-resolutions)

توضیح: برای متن چهار قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل درباره ناگورنو-قره‌باغ به نشانی زیر مراجعه نمایید:

<https://2001-2009.state.gov/p/eur/rls/or/13508.htm>

تارنگاشت عدالت